

## سیاست و فضا: تحلیل نظری تأثیر نئولیبرالیسم بر بحران آب

حسین مختاری هشی\*

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۲

### چکیده

بخش‌های زیادی از جهان به‌طور فزاینده با کمبود آب و سپس تبدیل آن به بحران مواجه‌اند. عموماً اعتقاد بر این است که کمبود آب پدیده‌ای طبیعی است، حال آنکه بحران آب مسئله‌ای مدیریتی و حاکمیتی است و به عبارتی پدیده‌ی انسان‌ساخت است که عمدتاً با ضعف مدیریت در حوزه افزایش جمعیت و توزیع آن و همچنین شدت و توزیع فعالیت‌های اقتصادی ارتباط دارد. اگرچه برخی تغییر اقلیم را نیز یکی از علت‌های بحران آب در نظر می‌گیرند، بخشی از خود این پدیده نیز حاصل فعالیت‌های انسانی است. انسان همواره بر فضای جغرافیایی تأثیر می‌گذارد که کم و کیف آن اغلب تحت تأثیر نوع تفکر و اندیشه اوست. در سطح حکومتی، از اندیشه جمعی و غالب انسان‌ها که در برخورد با همه پدیده‌ها و عرصه‌ها ملاک عمل قرار می‌گیرد، به تفکر سیاسی و ایدئولوژی تعبیر می‌شود. نئولیبرالیسم ایدئولوژی‌ای است که در اواخر قرن بیستم و بیشتر در عرصه اقتصاد مطرح شده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب مبحث کلان سیاست و فضا، از دیدگاه تئوریک به دنبال پاسخ به این سؤال است: تأثیر سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیستی در بروز یا تشدید بحران آب چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برخی از مؤلفه‌های کلان نئولیبرالیسم، نظیر خصوصی‌سازی، تولید نامتمرکز، مقررات‌زدایی و بی‌توجهی به نفع عمومی، در قالب طیف وسیعی از اقدامات، سیاست‌ها و استراتژی‌ها در بروز بحران آب ایفای نقش می‌کنند. اگرچه بروز بحران آب در اثر کاربست سیاست‌های یادشده، چه در کشورهای در حال توسعه و چه کشورهای توسعه‌یافته، قابل انتظار است، نمود و شیوع آن در کشورهای در حال توسعه بیشتر است؛ چراکه اتخاذ همین سیاست‌ها در کشورهای توسعه‌یافته در اغلب موارد منجر به عدم



مواجهه آن‌ها با بحران آب می‌شود؛ زیرا آن‌ها در چهارچوب این ایدئولوژی تلاش می‌کنند ترجیحاً بخش آب‌بر و ضد محیط‌زیستی فرایندهای تولید و فعالیت‌های اقتصادی خود را به خارج از کشور و فضاها بی که از نظر مقررات محیط‌زیستی و... ضعیف هستند، منتقل کنند. همچنین نکته قابل توجه دیگر این است که با بروز بحران آب در فضاها جغرافیایی کشورهای در حال توسعه که منجر به کاهش رقابت‌پذیری این فضاها می‌شود، شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته آن فضاها را رها و این چرخه مخرب را در فضاها جدید تکرار می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: سیاست، فضا، نئولیبرالیسم، کمبود آب، بحران آب.

## ۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر بحث کمبود و بحران آب به‌طور فزاینده‌ای به یکی از اساسی‌ترین مسائل در بخش‌های زیادی از جهان تبدیل شده است. حادث شدن این امر عمدتاً با افزایش جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و تا حدی نیز با تغییرات آب‌وهوایی مرتبط دانسته می‌شود که این مورد اخیر نیز با فعالیت‌های انسانی بی‌ارتباط نیست. محدودیت در دسترسی به آب نه تنها فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند و مسائل گوناگون اجتماعی و زیست‌محیطی به‌وجود می‌آورد، بلکه از نظر سیاسی نیز امنیت و ثبات کشورها را به مخاطره می‌اندازد. در کشورهای در حال توسعه این وضعیت به‌مراتب بدتر است. تأثیر تفکرات و ایدئولوژی‌های سیاسی و اقتصادی، که به مرور زمان یکی جای خود را به دیگری می‌دهد، بر فضای جغرافیایی امری انکارناپذیر است. تفکر نئولیبرالیسم که عمدتاً در حوزه اقتصاد مطرح است، در اواخر قرن بیستم رایج شد و جدا از مزایا و معایب گوناگونی که ممکن است داشته باشد، بیشتر دل‌مشغول رها کردن شرکت‌های خصوصی از محدودیت‌هایی است که دولت وضع می‌کند، بدون توجه به اینکه این امر می‌تواند موجب چه میزان آسیب‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و... شود. همچنین آزادی بیشتر برای تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری، آزادی برای حرکت سرمایه، کالا و خدمات، کاهش دستمزدها از طریق پراکندن کارگران از اتحادیه‌ها و عدم کنترل قیمت‌ها نیز از مسائل مطرح در این تفکر است و اعتقاد بر این است که «بازار تنظیم‌نشده بهترین راه افزایش رشد اقتصادی و سرانجام منافع همه است». این امر در کنار تلاش برای کنار گذاشتن آن دسته از مقررات دولتی که سود را کاهش می‌دهد، شامل قوانین ایمنی و حفاظتی در محیط کار که به ویژه در کشورهای در حال توسعه با نادیده گرفتن مقررات زیست‌محیطی وضعیت وخیم‌تری

پیدا می‌کند، در کنار منابع خام و نیروی انسانی ارزان این کشورها، امکان گسترده‌ای برای رقابت به‌منظور سود بیشتر به‌وجود می‌آورد. از این‌رو این کشورها به عرصه‌ی توجه تفکرات نئولیبرالیستی تبدیل می‌شوند. حضور شرکت‌های بزرگ و چندملیتی در کشورهای درحال توسعه که عمدتاً با نیت تولید برای صادرات است، منابع انسانی و فیزیکی این کشورها و از جمله منابع آب را به‌کار می‌گیرد و این منابع به‌صورت گسترده‌ای در قالب آب مجازی (آب مصرف‌شده در تولید کالاها) از این کشورها خارج می‌شود. این امر ابتدا منجر به کمبود آب و سپس بحرانی شدن آن می‌شود که دارای تبعات گوناگون بی‌شماری است. در مطالعاتی که در خصوص بحران آب انجام می‌شود، عمدتاً این بحران از جنبه‌ی توصیف وضعیت و معلول‌هاست و در مواردی نیز که جنبه‌ی تحلیلی در نظر گرفته شده، بیشتر در ارتباط با مسائل اقلیمی و افزایش طبیعی مصرف بوده و کمتر از جنبه‌ی تأثیر سیاست بر فضای جغرافیایی، به‌ویژه سیاست‌های اقتصادی، به آن پرداخته شده است. در ایران نیز در مطالعاتی که در حوزه‌ی بحران آب انجام شده است، تأثیر سیاست‌ها و مکاتب فکری اقتصادی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر بر آن است تا از دیدگاه تئوریک نحوه‌ی تأثیر سیاست‌های نئولیبرالیستی بر بحران آب را بررسی کند تا با کمک به گسترش آگاهی در این حوزه، برخی از عمده‌ترین علل بحران آب مورد توجه و چاره‌جویی قرار گیرند.

## ۲- روش تحقیق

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به‌شیوه‌ی کتابخانه‌ای و از بین منابع چاپی و اینترنتی است. تحلیل اطلاعات نیز به روش کیفی و استنتاج انجام گرفته است.

## ۳- مبانی نظری

### ۳-۱- سیاست و فضا

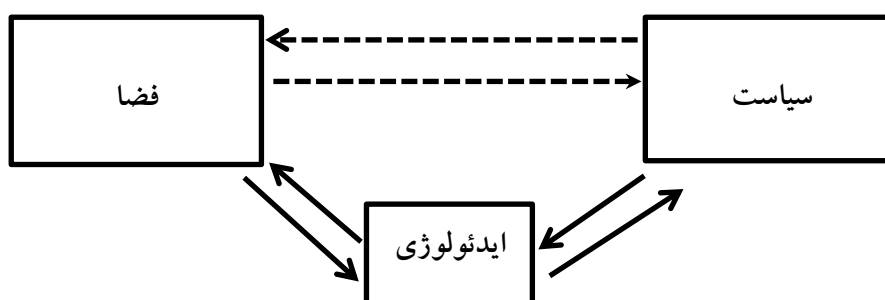
مفهوم فضا در رشته‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که این امر موجب برداشت و تعاریف مختلف از این مفهوم می‌شود. از دیدگاه علم جغرافیا که بیشتر مفهوم فضای جغرافیایی مطرح است، این فضا به‌طور کلی وقتی معنا پیدا می‌کند که حضور و دخالت انسان در میان باشد و فضای جغرافیایی حاصل رابطه‌ی انسان و طبیعت است. بنابراین آن بخش‌هایی از کره‌ی زمین که در ارتباط با انسان قرار دارند و به‌نحوی با زندگی انسان ارتباط مستقیم یا



غیرمستقیم دارند، «فضای جغرافیایی» نامیده می‌شود. فضای جغرافیایی شامل محیط طبیعی، محیط مصنوع انسان و خود انسان است. درون مسی (Massey, 1985: 11) علم جغرافیا را علم فضا می‌داند که به بررسی قوانین فضایی، روابط فضایی، فرایندهای فضایی، شناخت و تبیین یکنواختی‌های فضایی و تبیین الگوهای فضایی می‌پردازد؛ چراکه اصول خاصی از تعاملات فضایی وجود دارند که می‌توانند بدون محتوای اجتماعی‌شان مورد مطالعه قرار گیرند. این تعاملات فضایی اگرچه از نظر سطح کم هستند، از نظر اجتماعی قابل توجه‌اند و نیاز به وسواس در شناسایی قواعد فضایی و تمایل به توضیح آن‌ها با عوامل فضایی وجود دارد؛ با این استدلال که توضیح الگوهای جغرافیایی باید به صورت فضایی باشد و در این صورت نیازی به بررسی بیشتر نیست. با وجود ارائه تعاریف متعدد از فضای جغرافیایی، حافظنیا معتقد است به لحاظ فلسفی فضا موضوع اصلی این علم است و علم جغرافیا از حیث بنیادی، علم فضاشناسی و از حیث کاربردی، علم فضاسازی است و این علم به شناخت ماهیت، ساختار، کارکردها، قوانین، روندها و فرایندهای فضایی از یک طرف و سازمان‌دهی فضا و پدیده‌های فضایی، آمایش فضا، برنامه‌ریزی‌های مکانی-فضایی، و مکان‌یابی پدیده‌های فضایی از طرف دیگر می‌پردازد (حافظنیا، ۱۳۸۸: ۱)؛ بنابراین فضای جغرافیایی که شامل عناصر طبیعی، عناصر انسانی و سازه‌های انسان‌ساخت است (همان، ۱۳۹۳: ۳۴)، در طول زمان و در نتیجه تعامل انسان با طبیعت ساخته می‌شود. از آنجا که انسان‌ها افکار و فرهنگ‌های متفاوتی دارند، هر اجتماع انسانی فضاهای جغرافیایی متفاوت و مختص به خود را تولید می‌کند. هانری لوفر<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) نیز فضا را تولیدشده از طریق روابط و ساختارهای اجتماعی می‌داند. فضا همیشه در حال ساخته شدن است و این فرایند هرگز تمام نمی‌شود (Massey, 2005: 9). فضا هم تأثیرگذار است و هم تحت تأثیر عمل انسان. از آنجا که انسان‌ها افکار متفاوتی دارند، در برخورد با فضا، چه به صورت فردی و چه جمعی، تحت تأثیر افکار خود هستند؛ بنابراین فضاهای متفاوتی که هر یک حاصل افکار خاصی هستند، تولید می‌شوند. حکومت‌ها نمایندگانی هستند که از سوی ملت‌ها برای اداره امور ملت و سرزمین انتخاب می‌شوند؛ در این فرایند انتخاب، افکار شهروندان نیز دخیل است. حکومت انتخابی که بر اساس رأی اکثریت مردم است نیز اصولاً نماینده افکار اکثریت ملت است و آن فکر جمعی را به عنوان ایدئولوژی خود برمی‌گزیند و به عنوان سیاست غالب خود در برخورد با فضا به کار می‌گیرد و در برنامه‌های خود به دنبال تحقق آن ایدئولوژی است. اینکه هر حکومتی سعی می‌کند فضای جغرافیایی را به گونه‌ای سازمان دهد که با ایدئولوژی آن هم‌راستا و همخوان باشد، امر جدیدی نیست و همواره از گذشته‌های دور وجود داشته است.

1. Henri Lefebvre

ژان گاتمن (11: 1980: Gottmann) با اذعان به تأثیر متقابل سیاست و فضا معتقد بود که «جغرافیا و سیاست» مدت‌ها در جست‌وجوی یکدیگر بودند. بنابراین سیاست به‌واسطه حمایت ایدئولوژی و از طریق نهادهای تصمیم‌ساز و مجری تصمیم، بر فضا که متشکل از جامعه انسانی، شبکه‌ها، جریان‌ها، ساخت‌ها و... است، تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۲). در سطح حکومت و نهادهای وابسته به آن، هر تصمیم‌گیری‌ای از سیاست، ایدئولوژی یا تفکری خاص ناشی می‌شود. ایدئولوژی نه‌تنها در تعیین اهداف حکومت‌ها نقش دارد، بلکه با تعیین استانداردهای اعمال سیاسی بر فرایند سیاست‌گذاری تأثیر عمده‌ای می‌گذارد. همچنان که در شکل ۱ نیز مشخص است، در رابطه بین سیاست و فضا اغلب فیلتری به نام ایدئولوژی نقش‌آفرینی می‌کند که سیاست در هنگام برخورد با فضا ملاحظاتی آن را در نظر می‌گیرد و در هنگام تأثیرپذیری از فضا نیز فضا را طوری فهم می‌کند که با ایدئولوژی خود هماهنگ است.



شکل ۱. نقش ایدئولوژی در رابطه بین سیاست و فضا

منبع: نگارنده

## ۲-۳- لیبرالیسم و انواع آن

مفهوم لیبرالیسم که پس از فروپاشی شوروی و در آغاز هزاره سوم به ایدئولوژی غالب در جهان تبدیل شده است، ریشه در زبان لاتین دارد و از واژه Liber به معنی «آزاد» نشئت گرفته است. لیبرالیسم، به‌عنوان فلسفه‌ای سیاسی و اخلاقی، بر دو اصل اساسی فردگرایی و آزادی متمرکز است. بر اساس اصل اول اعتقاد بر این است که فرد در قلب جامعه قرار دارد و ارزشمندترین نظم اجتماعی نظامی است که پیرامون فرد بنا شود. در اصل دوم نیز هدف جامعه این است که افراد در صورت تمایل، به توانایی‌های بالقوه خود برسند و بهترین راه برای انجام این کار، آزادی



هرچه بیشتر فرد است. جان‌گری<sup>۱</sup> چهار عنصر اساسی لیبرالیسم را فردگرایی، برابری‌طلبی، جهانی بودن و بهبودگرایی (جهان می‌تواند با تلاش انسان بهتر شود) می‌داند (Chau, 2009: 2). این مفهوم به‌مرور به حوزه‌های عقل و خرد و شخصیت و منش تسری یافته و معانی‌ای همچون استقلال عقلی، آزاداندیشی، بزرگواری و بلندنظر، صادق، آزاد و خوش‌مشرب را نیز شامل شده است. از اواخر قرن هجدهم، بیشتر به معنی تمایلاتی برای زندگی روشنفکرانه دینی، سیاسی و اقتصادی به‌کار برده شده که اشاره‌ای ضمنی به رهایی انسان از قدرت‌های ماورای طبیعی و الهی دارد. بر اساس لیبرالیسم، افراد در عرصه‌های مختلف آزادند تا اهداف خود را به‌گونه‌ای که خود درک و تعریف می‌کنند، البته به شرطی که آزادی دیگران را محدود نکنند، دنبال کنند. از جمله اصول بنیادی لیبرالیسم عبارت‌اند از: فرد و فردگرایی، رضایت و قرارداد، قانون و حکومت مشروطه، آزادی و حق انتخاب، برابری در فرصت‌ها، عدالت اجتماعی بر اساس شایستگی، تساهل و تسامح، محدوده زندگی خصوصی و محدوده زندگی عمومی، مالکیت خصوصی و بازار آزاد. لیبرالیسم در طول حیات خود سه دوره تاریخی را پشت‌سر گذاشته است که عبارت‌اند از: لیبرالیسم کلاسیک، یعنی دوره تأکید بر اصول اساسی لیبرالیسم؛ لیبرالیسم میانه که از برخی اصول اساسی لیبرالیسم عدول شده است؛ و نئولیبرالیسم که به دنبال بازگشت به اصول اولیه لیبرالیسم به همراه برخی تغییرات و تعدیلات است (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2018). لیبرالیسم همچنین در عرصه‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده است.

این اندیشه در حوزه سیاسی به دنبال تحدید قدرت دولت در مقابل حقوق فرد و جامعه؛ دولت حداقلی و غیرمداخله‌گر؛ قانون‌گرایی، تفکیک قوا، حقوق بشر و حکومت مبتنی بر نمایندگی؛ آزادی فرد در تعیین سرنوشت (به‌ویژه سرنوشت سیاسی)؛ حق شرکت و حق کنترل همگان بر امور عمومی؛ آزادی شهروندان در سایه حکومت محدود به قانون؛ مبارزه با قدرت مطلقه و توتالیتر؛ مخالفت با تمرکز، خودکامگی و مطلق‌گرایی؛ قرارداد اجتماعی به‌عنوان منشأ قدرت؛ و اعتقاد به سکولاریسم و در حاشیه بودن دین در امور سیاسی و اجتماعی است. لیبرالیسم در حوزه مذهب عمدتاً بر مواردی نظیر زیر سؤال بردن حق الهی و هر نوع آمریتی که به نمایندگی از سوی آسمان در زمین اعمال می‌شود، تنزل قدرت دین در قلمرو عمومی و انتقال آن به قلمروهای خصوصی، حق هر فرد برای انتخاب دین یا بی‌دینی، پلورالیسم دینی و جدایی دین از حکومت تأکید می‌کند. لیبرالیسم در حوزه اقتصادی به معنی حفظ آزادی اقتصادی، دفاع از مالکیت خصوصی، سرمایه‌سالاری و ترویج بازار آزاد و رقابتی؛ مقاومت در برابر

1. John Gray

تسلط دولت بر حیات اقتصادی در برابر هر نوع انحصار و مداخله دولت در تولید و توزیع ثروت؛ و آزادی سرمایه‌داران برای رسیدن به سودهای کلان است (وینسنت، ۱۳۸۷: ۴۱-۸۵). مکتب لیبرالیسم اقتصادی در اروپا با انتشار کتاب *ثروت ملل* آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ رواج یافت. وی تجارت آزاد را بهترین راه برای توسعه اقتصاد ملت‌ها می‌داندست (Smith, 2009). لیبرالیسم اقتصادی در طول دهه‌های ۱۸۰۰ و دهه‌های ابتدایی ۱۹۰۰ در ایالات متحده غالب شد، ولی پس از رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، کینز<sup>۱</sup> با گسترش دخالت دولت در اقتصاد، لیبرالیسم را به چالش کشید. از نظر وی، اشتغال کامل برای رشد سرمایه‌داری ضروری است و زمانی این منظور حاصل می‌شود که دولت‌ها و بانک‌های مرکزی برای افزایش اشتغال در اقتصاد مداخله کنند. این عقاید بر برنامه اقتصادی دولت روزولت<sup>۲</sup> تأثیر زیادی گذاشت و زندگی بسیاری از مردم را بهبود بخشید و این باور که دولت باید منافع عمومی را پیش ببرد، به‌طور وسیعی پذیرفته شد که این به معنی عدول از لیبرالیسم کلاسیک و آغاز لیبرالیسم میانه، به‌ویژه از نوع دولت رفاه، است (Arnon et al., 2011: 3).

### ۳-۳- نئولیبرالیسم

نئولیبرالیسم در وهله نخست، نظریه‌ای در مورد شیوه‌هایی در اقتصاد سیاسی است که بر اساس آن گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهارچوبی نهادی م نظر است که ویژگی آن حقوق مالکیت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است که از طریق آن می‌توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد. نقش دولت، ایجاد و حفظ چهارچوب نهادی مناسب برای عملکرد آن شیوه‌هاست (هاروی، ۱۳۸۶: ۸-۹). در نظام نئولیبرال، آزادسازی اقتصادی و بازگشت دوباره دولت، طرفداری از بازارهای آزاد و حقوق مالکیت شدید فردی، فردگرایی، خصوصی‌سازی، رقابت، مقررات‌زدایی و تمایل به کارایی بیش از هر چیز وجود دارد (Clark, 2004; Harvey, 2007). در این نظام گرایش از سیاست اجتماعی به سیاست اقتصادی وجود دارد و مجدداً بر این اصل ایدئال تأکید می‌شود که دست نامرئی بازار بهتر تنظیم می‌کند و مداخله دولت در بازارها باید به حداقل برسد و نظام رفاهی کینزی با نظامی جایگزین می‌شود که تأکید بیشتری بر کارآفرینی و آزادی اقتصادی دارد تا مدیریت سیاسی دمکراتیک (Sager, 2011). نئولیبرالیسم عمدتاً به حوزه اقتصاد مربوط است و به بیانی ساده، به‌دنبال بازگشت همراه با تعدیلات به‌شکل کلاسیک لیبرالیسم اقتصادی است که از دهه ۱۹۳۰

1. Keynes  
2. Roosevelt



و با اقدامات کینز کم‌رنگ شده بود. پیدایش این تفکر هم‌زمان با دوران کینزگرایی است و توسط کسانی پیگیری می‌شد که عدول از اصول لیبرالیسم را خطرناک می‌دانستند. در ۱۹۴۷ عده‌ای همچون لودویگ فن میزس<sup>۱</sup>، میلتون فریدمن<sup>۲</sup> و برای مدتی کارل پوپر<sup>۳</sup> پیرامون فریدریش فن هایک<sup>۴</sup>، فیلسوف سیاسی اتریش، در چشمه آب معدنی مونت پلرین در سوئیس، انجمنی به نام «انجمن مونت پلرین»<sup>۵</sup> تأسیس کردند. در بیانیه تأسیس این انجمن آمده است: «ارزش‌های محوری تمدن در خطرند... این گروه باور دارد که کاهش اعتقاد به مالکیت خصوصی و بازار رقابتی موجب این تحولات شده است؛ زیرا بدون قدرت و ابتکار عمل پراکنده که با این نهادها مرتبط باشند، تصور جامعه‌ای که بتوان آزادی را در آن حفظ کرد دشوار است» (هاروی، ۱۳۸۶: ۳۲). هایک مهم‌ترین وظیفه دولت را «مراقبت از مکانیسم تنظیم عرضه و تقاضا» می‌دانست و عده‌ای او را پایه‌گذار نئولیبرالیسم در جهان می‌دانند. گروه مونت پلرین از حمایت گروه نیرومندی در ایالات متحده برخوردار شد، به طوری که در دهه ۱۹۷۰ شاخه‌ای از آن در آمریکا به نام «بنیاد هریتج»<sup>۶</sup> در واشنگتن تشکیل شد. در انگلیس نیز شاخه‌ای دیگر به نام «مؤسسه امور اقتصادی»<sup>۷</sup> در لندن و با امکانات مالی فراوان تشکیل گردید. میلتون فریدمن در دانشگاه شیکاگو پایگاهی برای این تفکر شد. همچنین هایک در سال ۱۹۷۴ و فریدمن در سال ۱۹۷۶ جایزه نوبل اقتصاد گرفتند (Higgs, 1997: 623-625) بدین ترتیب سیاست مقررات زدایی که به معنی عدول از کینزگرایی بود، در دوران کارتر بر اقتصاد آمریکا حاکم شد و در سال ۱۹۷۹ ریگان و تاجر نئولیبرالیسم را سیاست عمومی خود اعلام کردند و کینزگرایی کنار گذاشته شد؛ چراکه معتقد بودند کینزگرایی قادر به پاسخگویی به آشفتگی اقتصادی و رکود اقتصادی کشورهای پیشرفته در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نبود (Susilo, 2012: 2).

استراتژی‌های ترویج نئولیبرالیسم عبارت‌اند از:

**الف. آزادسازی:** موجب ارتقای رقابت آزاد می‌شود؛ در چهارچوب این استراتژی اموری نظیر آزادی بیشتر برای تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری، کاهش دستمزدها از طریق پراکندن کارگران از اتحادیه‌ها، عدم کنترل قیمت‌ها، و آزادی حرکت سرمایه، کالا و خدمات مورد توجه قرار دارد (Harmes, 2012: 64-9; Cohen & Centeno, 2006: 36).

- 
1. Ludwig Von Mises
  2. Milton Friedman
  3. Karl Popper
  4. Friedrich Von Hayek
  5. Mont Pelerin Society
  6. The Heritage Foundation
  7. Institute of Economic Affairs



ب. **مقررات زدایی:** موجب کاهش نقش قانون و دولت می‌شود؛ در قالب این استراتژی آن دسته از مقررات دولتی که سود را کاهش می‌دهند، کنار گذاشته می‌شوند؛ نظیر قوانین ایمنی و حفاظتی در محیط کار. همچنین کاهش خالص هزینه‌ها و مقرری برای فقرا و حتی نگهداری جاده‌ها، پل‌ها، عرضه آب و... به نام کاهش نقش دولت پیگیری می‌شود (Sarimehmet Duman, 2019: 106-107).

پ. **خصوصی‌سازی:** موجب فروش دارایی‌های بخش دولتی می‌شود؛ در این چهارچوب، فروش شرکت‌های دولتی، کالاها و خدمات، شامل بانک‌ها، صنایع کلیدی، راه‌آهن، عوارض بزرگراه‌ها، برق، مدارس، بیمارستان‌ها و حتی آب آشامیدنی، به سرمایه‌گذاران خصوصی انجام می‌شود و دولت مسئولیت اجتماعی-رفاهی را از خود سلب می‌کند (Harvey, 2007: 35-36).

ت. **نفوذ و حضور نمایندگان بازار در بخش دولتی:** این استراتژی تأثیر بخش خصوصی در سیاست‌های دولت را فراهم می‌کند (Ives, 2015).

ث. **بین‌المللی شدن:** موجب برقراری جریان‌های آزاد سرمایه، نیروی کار و کالا به داخل و خارج کشور می‌شود (Kotz, 2002: 64).

ج. **کاهش مالیات مستقیم:** کاهش مالیات از شرکت‌ها به کشورهایی که در آن‌ها فعالیت می‌کنند، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش انتخاب مشتری می‌شود (Jessop, 2000).

چ. **کالایی‌سازی:** کالایی‌سازی ویران‌کننده‌ترین استراتژی در نئولیبرالیسم است. هاروی معتقد است: «کالایی‌سازی مستلزم وجود حقوق مالکیت بر فرایندها، چیزها و روابط اجتماعی است که بر آن‌ها می‌توان قیمت گذاشت و به شرط قرارداد قانونی، آن‌ها را می‌توان خرید و فروش کرد». نگرش کالایی، به‌ویژه به منابع عمومی و طبیعی کره زمین، منجر به غارت آن‌ها بدون توجه به آینده و نسل‌های بعدی می‌شود. اولویت دادن به روابط قراردادی کوتاه‌مدت، همه تولیدکنندگان را تحت فشار می‌گذارد تا قبل از پایان قرارداد هرچیزی را که می‌توانند استخراج کنند و تا حد ممکن بیشترین استفاده را از منابع ببرند. در این رویکرد، گاز یا نفت و یا... به دلیل نگاه تهاجمی غارتگرانه، تمامی بار ارزشی سرمایه‌حیاتی-زیستی خود را از دست می‌دهد و فقط به‌منزله کالایی برای خرید و فروش دیده می‌شود (هاروی، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۲۴۰).

### ۳-۴ - تفاوت لیبرالیسم و نئولیبرالیسم

ویژگی مشترک لیبرالیسم و نئولیبرالیسم، اقتصاد بازار آزاد و تقلیل شعاع دخالت دولت است. نئولیبرالیسم همواره از دولت انتظار دارد جامعه را حول ایدئال‌هایش شکلی تازه ببخشد. بر اساس تفکر نئولیبرال، دولت باید ساختارها و کارکردهای نظامی، دفاعی و قانونی لازم برای



تأمین حقوق مالکیت خصوصی را ایجاد و در صورت لزوم، عملکرد درست بازارها را با توسل به زور تضمین کند. از این گذشته، اگر بازارهایی (در حوزه‌هایی از قبیل زمین، آب، آموزش، مراقبت بهداشتی، تأمین اجتماعی یا آلودگی محیط‌زیست) وجود نداشته باشد، آن وقت اگر لازم باشد، دولت باید آن‌ها را ایجاد کند، ولی نباید بیش از این در امور دخالت کند. مداخله دولت در بازارها (وقتی که ایجاد شدند) باید در سطح بسیار محدود نگاه داشته شود؛ زیرا بر اساس این نظریه، اولاً برای دولت امکان‌پذیر نیست در مورد پیش‌بینی علائم، یعنی قیمت‌ها، اطلاعات کافی داشته باشد و ثانیاً گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند، ناگزیر مداخلات دولت را (به‌ویژه در دموکراسی‌ها) مخدوش و به‌نفع خود سمت‌وسو خواهند داد (همان، ۹). نئولیبرالیسم برداشت لیبرال جدایی حوزه‌های اقتصادی و سیاسی زندگی را کنار می‌گذارد و رقابت را مهم‌ترین و باارزش‌ترین خصیصه سرمایه‌داری می‌داند. نئولیبرالیسم به بازطراحی و نوآوری علاقه‌مند است، ولی لیبرالیست‌ها فقط از قانون و بازار موجود برای پیشبرد ایدئال‌هایشان استفاده می‌کنند؛ نئولیبرالیسم هر دوی این‌ها و چیزهای دیگر را بازطراحی می‌کند (دیویس، ۱۳۹۶). همچنان که در جدول ۱ مشخص است، نئولیبرالیسم افراط در برخی از جوانب لیبرالیسم است.

جدول ۱. مقایسه برخی از ویژگی‌های لیبرالیسم و نئولیبرالیسم

ویژگی‌ها	لیبرالیسم	نئولیبرالیسم
موانع تجاری	زیاد	کم
کنترل سرمایه	زیاد	کم
قدرت دولت نسبت به سرمایه	زیاد	کمتر
قدرت اتحادیه‌ها	قوی	ضعیف
مقررات تجارت	قوی	ضعیف
وضعیت هزینه‌های اجتماعی	تأمین می‌شود	کمتر تأمین می‌شود
شرکت‌های دولتی	متداول	در حال ناپدید شدن
استراتژی توسعه	تولید برای داخل	صادرات‌گرا
کانون سیاست دولت	درگیری‌های ژئوپلیتیک	رقابت اقتصادی

بازارهای ارز	تعیین قیمت‌ها توسط توافق‌نامه‌های چندجانبه	تعیین قیمت‌ها توسط بازار جهانی
ایدئولوژی	عمدتاً ایدئولوژی سیاسی	عمدتاً ایدئولوژی اقتصادی
تمرکز	آزادی فکر، مذهب، زندگی، مالکیت املاک و...	آزادی تجارت و خصوصی سازی و...
دوره زمانی پیدایش	در عصر روشنگری	در قرن بیستم

منبع: Chathu, 2017; Cohen & Centeno, 2006: 36.

### ۳-۵- بحران آب

بحران وضعیتی است که در آن در نتیجه عوامل طبیعی یا انسانی، عملکرد عادی یک سیستم مختل می‌شود و پایداری آن به مخاطره می‌افتد. با این تعریف، بحران آب در شرایطی اتفاق می‌افتد که اختلالی در عرضه آب صورت گیرد، به طوری که میزان عرضه از میزان تقاضا به طور محسوسی کمتر شود و این امر موجب آسیب به روال عادی زندگی و محیط زیست شود. اگرچه ممکن است در بعضی از مناطق کمبود طبیعی آب وجود داشته باشد، چنانچه انسان‌ها بتوانند در سطح خرد یا کلان و با مدیریت صحیح توازنی در میزان عرضه و تقاضا ایجاد کنند، از این وضعیت به کم‌آبی تعبیر می‌شود و مرحله بحران آب اتفاق نمی‌افتد. بنابراین بحران آب پدیده‌ای انسان‌ساخت است که کم‌آبی طبیعی را با ضعف مدیریتی تبدیل به بحران آب می‌کند. هنگامی که انسان‌ها بدون توجه به کم‌آبی طبیعی اقدام به افزایش جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در یک منطقه می‌کنند، به مرور سنگ‌بنای ایجاد بحران آب، چه در آینده نزدیک و چه دور، گذاشته می‌شود. بحران آب اگرچه اغلب اوقات با مصرف و مقدار فیزیکی آب مرتبط است، گاهی افزایش آلودگی منابع آب، چه از طریق ورود سموم و چه ورود بی‌رویه فاضلاب به منابع آبی، نیز ممکن است موجب از دسترس خارج شدن منابع آب و بروز بحران آب شود. راجرز در کتاب *بحران آب: افسانه یا واقعیت*<sup>۱</sup> بحران آب را پدیده‌ای طبیعی نمی‌داند، بلکه آن را مشکل مدیریت و تخصیص آب قلمداد می‌کند و معتقد است «بحران آب اساساً بحران مدیریت و حاکمیت است» (Rogers, 2004). نهاد «ابتکار حکمرانی آب»<sup>۲</sup> وابسته به سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه<sup>۳</sup> در گزارشی با عنوان راه‌حل کمبود آب، ضمن اشاره به اینکه بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان در مناطق تحت فشار آب زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود تقاضای آب طی ۳۰ سال آینده ۵۵ درصد افزایش یابد، اظهار می‌دارد که تا سال ۲۰۵۰، ۲۴۰ میلیون نفر به

1. Water Crisis: Myth or Reality?  
2. Water Governance Initiative  
3. OECD



آب تمیز دسترسی نخواهند داشت و ۱/۴ میلیارد نفر نیز طبق سناریوی معمول در شرایط تجاری از خدمات بهداشتی اولیه برخوردار نخواهند بود. همچنین دسترسی و تأمین آب به دلیل تأثیر تغییرات آب‌وهوا احتمالاً بدتر خواهد شد و این بحران قریب‌الوقوع آب نیازمند اقدامات فوری است. این گزارش نیز ضمن تأکید بر اینکه بحران‌های آب اغلب بحران‌های حاکمیتی هستند، به تشریح مفهوم حاکمیت آب و اهمیت مقابله با چالش‌های آب می‌پردازد. از نظر این گزارش حاکمیت آب ابزاری برای کنار آمدن با چالش‌های کمبود زیاد، آلودگی زیاد و اطمینان از دسترسی باکیفیت مردم در سراسر جهان به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی است. حاکمیت بر آب مجموعه قوانین، روش‌ها و فرایندهایی است که از طریق آن‌ها تصمیماتی برای مدیریت منابع و خدمات آب گرفته و اجرا می‌شود و تصمیم‌گیرندگان مسئولیت‌پذیر هستند. فراتر از تعریف، آنچه باید در مورد حاکمیت آب انجام شود این است که چه کسی چه کاری انجام دهد، در کدام سطح از دولت و چگونه (OECD, 2020).

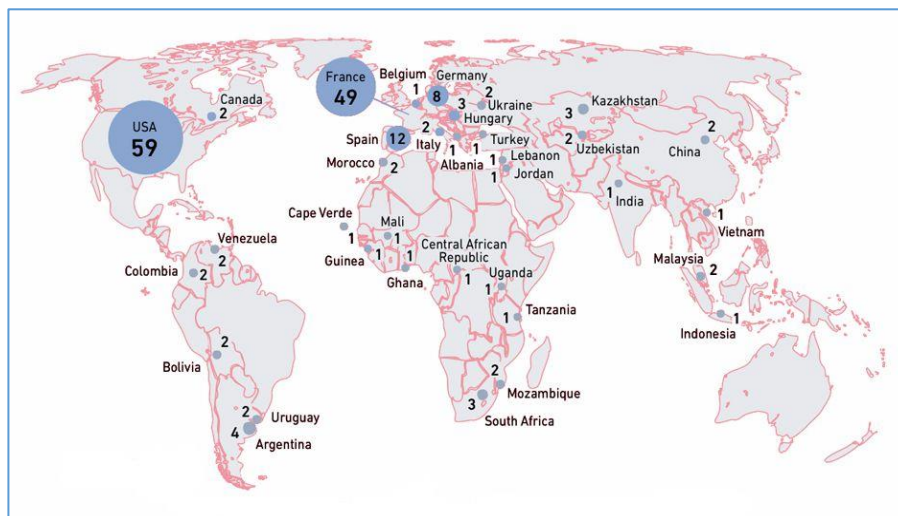
#### ۴- یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱- ارتباط نئولیبرالیسم با بحران آب

###### ۴-۱-۱- خصوصی سازی منابع آب

بازار جهانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به این ایده که زمین «گنجینه مشترک همه است» حمله می‌کند. واگذاری کامل تأمین عمومی آب به بخش خصوصی در اوایل دهه ۱۹۸۰ تحت هدایت مارگارت تاچر در انگلیس آغاز شد و سپس در دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن، با پیشرفت جهانی شدن، دولت‌ها تحت فشار قرار گرفتند تا خدمات خود را به بخش خصوصی واگذار کنند. در همین راستا آب با شتاب فزاینده‌ای خصوصی شد و به‌عنوان «کالای اقتصادی»، برخلاف حق انسانی، ارائه گردید. خصوصی سازی آب در واژگان نئولیبرالیسم یعنی آب در دسترس کسانی قرار می‌گیرد که می‌توانند پول آن را پرداخت کنند (Gonzalez & Yanes, 2015: 3). سالانه ۹ میلیارد بطری آب در سراسر جهان فروخته می‌شود و برندهای مختلف با یکدیگر رقابت می‌کنند تا از منابع آب پاک و آلوده‌نشده و دور از خوشه‌های شهری استفاده کنند که این به معنی تلاش شرکت‌های خصوصی برای بطری کردن منابع آب بکر و تمیز مردمان محلی، بدون توجه به این امر است که بطری‌ها می‌توانند سرطان‌زا باشند و همچنین برای تولید هریک از آن‌ها نیز حدود ۱۰۰ لیتر آب مصرف می‌شود. بنا بر تخمین برخی محققان، هزینه آب بطری می‌تواند ۱۰,۰۰۰ برابر معادل هزینه آب شیر باشد. در اقدامی هماهنگ، وام‌های مؤسسات بین المللی توسعه، تأمین اعتبار همه پروژه‌های خصوصی سازی آب را برعهده می‌گیرند و وام‌هایی

که به شهرداری‌ها و دولت‌ها داده می‌شود، «مشروط» به خصوصی‌سازی هستند (Ibid, 26-31). درصد شکست پروژه‌های خصوصی‌سازی آب نیز بالاست. همچنان که در نقشه ۱ مشخص است، تا سال ۲۰۱۴، ۱۸۰ شهر در ۳۵ کشور مجدداً آب خود را دولتی کردند که از این میان ۱۳۶ شهر در کشورهای با درآمد بالا و ۴۴ شهر در کشورهای با درآمد پایین بودند. این درحالی است که تا سال ۲۰۰۰ این تعداد فقط ۳ مورد بود (PSIRU, 2014). همچنین آنا لاپه<sup>۱</sup>، مدیر مؤسسه سیاره کوچک<sup>۲</sup>، اظهار می‌دارد که در مدت ۵ سال، از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، میزان شکست پروژه‌های خصوصی‌سازی آب و فاضلاب به ۳۴ درصد افزایش یافته است، درحالی که در همین مدت شکست پروژه‌ها در بخش انرژی ۶ درصد، در بخش ارتباطات راه دور ۳ درصد و در بخش حمل‌ونقل ۷ درصد بوده است (Vidal, 2015). با این حال گردش مالی سالانه شرکت‌های بزرگ چندملیتی آب از ۴۰ میلیارد دلار فراتر می‌رود و پیش‌بینی می‌شود در دهه‌های آینده به ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد. اگرچه این سودهای کلان اثر آنچنانی‌ای در حل مشکل آب نداشته است (Gonzalez & Yanes, 2015: 35).



نقشه ۱. تعداد شهرهایی که در هر کشور مدیریت آب خود را مجدداً از بخش خصوصی به شهرداری‌ها تغییر دادند

1. Anna Lappé
2. Small Planet Institute



اگرچه خصوصی‌سازی منابع آن می‌تواند واجد برخی مزایا باشد، با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، به برخی از تبعات منفی خصوصی‌سازی منابع آب به شرح زیر اشاره می‌شود:

- عدم توجه به تخریب محیط‌زیست به دلیل قراردادهای کوتاه‌مدت؛
- انحصار کل چرخه آب و حتی بستن چاه‌های مردم پس از خصوصی شدن منابع آب؛
- فعال بودن شرکت‌های خصوصی فقط در بخش توزیع آب که سود بیشتری دارد؛
- عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زیرساخت‌های تأمین آب که آینده تأمین آب را دچار ابهام می‌کند (National Network on Environments and Women's Health, 2009: 6-7).

آمار نشت آب در شهرهای بزرگ نشان‌دهنده حجم بسیار زیاد آن و خرابی زیرساخت‌هاست. نشت آب در آمریکا ۱۷ درصد، در آفریقا ۳۹ درصد، در آسیا و آمریکای لاتین ۴۲ درصد، در شمال آفریقا و خاورمیانه ۵۲ درصد، در بوستون ۳۰ درصد و در لندن ۵۰ درصد، در ژوهانسبورگ بیش از ۵۰ درصد و در مانیل ۵۸ درصد است (Maxwell & Yates, 2011: 186-187). یک سوم آب مکزیکوسیتی معادل ۱۲,۰۰۰ لیتر در ثانیه به داخل زمین نشت می‌کند که سالانه به بیش از ۱ میلیارد متر مکعب بالغ می‌شود. آب این شهر که از رودخانه لِرما تأمین می‌شود، دیگر جوابگو نیست و اکنون از دریاچه بسیار زیبای چاپالا<sup>۱</sup> در ایالت جالیسکو<sup>۲</sup> و رودخانه کوتزاملالا<sup>۳</sup> تأمین می‌شود که مردم بومی محلی، یعنی مازاهوا<sup>۴</sup>، را از منابع آبی خود محروم می‌کند (Hollander, 2014). برای شرکت‌های تشنه سود، تعمیر شبکه لوله‌ها سود زیادی ندارد، ولی از طرف دیگر، انتقال آب — به هر طریق — درآمد قابل توجهی ایجاد می‌کند (Gonzalez & Yanes, 2015: 35). همچنین با توجه به اینکه میزان سود شرکت‌های خصوصی با میزان مصرف بیشتر ارتباط دارد، ممکن است این شرکت‌ها با ترفندهایی مردم را به مصرف بیشتر آب ترغیب کنند. از طرف دیگر، با توجه به پرهزینه بودن تصفیه فاضلاب، انگیزه‌ای برای تصفیه آن وجود ندارد و بنابراین رهاسازی فاضلاب می‌تواند منابع دیگر سطحی و زیرزمینی آب و همچنین محیط‌زیست را آلوده کند و موجب ایجاد یا تشدید بحران آب شود.

---

1. Chapala  
2. Jalisco  
3. Cutzamala  
4. Mazahua

خصوصی شدن آب همچنین موجب مطرح شدن بحث محدودیت دسترسی به ویژه از سوی فقرا می‌شود و در نتیجه باعث بدتر شدن موقعیت آسیب‌پذیر آنان در جامعه می‌گردد که این مسئله به معنی وجود یا تشدید بحران آب برای این قشر است (Murthy, 2013: 120). گاسلیتس و فارتیال<sup>۱</sup> استدلال می‌کنند که ماهیت بازار آزادی شرکت‌های خصوصی آب در بازار نئولیبرال به این شرکت‌ها اجازه می‌دهد آب‌رسانی به فقرا را برای افزایش سودآوری خود حذف کنند (Pavelich, 2017: 29). شرکت‌های خصوصی غالباً تمایلی به فعالیت در مناطق کم‌درآمد ندارند؛ زیرا بازار جذابی محسوب نمی‌شوند. بنابراین مناطق کم‌درآمد که بیشترین نیاز به پیشرفت در آب و فاضلاب را دارند، اغلب از مطالعه خارج می‌شوند یا به منابع آب دسترسی ندارند (Budds et al., 2003: 109 & 111). در نتیجه، فقرا و مناطق روستایی اغلب مجبورند به منابع آب ناامن یا غیرقابل اعتماد، مانند تانکرهای خصوصی فروش آب گران‌قیمت، اعتماد کنند (Grusky, 2001: 14-19) که هزینه آن‌ها ممکن است بین حداقل چهار برابر تا صد برابر بیشتر از منابع اصلی جریان آب باشد (Bakker, 2003: 328-341). از نظر کیفیت آب نیز استدلال‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه خصوصی‌سازی آب منجر به کیفیت بهتر نمی‌شود و در بیشتر موارد سطح دسترسی و کیفیت آب پس از خصوصی‌سازی بدتر شده است (Gündüz, 2011).

## ۲-۱-۴- تولید نامتمرکز (ناشی از رقابت شدید)

نظریه‌پردازان کلاسیک لیبرال بر لزوم بازارهای رقابتی تأکید می‌کنند و برای دولت نقش حداقلی قائل‌اند. آن‌ها به مرور دریافتند که بازارها غیراخلاقی‌اند و به برخی از نظارت‌های دولت نیاز است. نئولیبرال‌ها جنبه‌ای از نظریهٔ آدام اسمیت، یعنی رقابت در بازار آزاد، را برجسته‌تر نشان می‌دهند (Merino et al., 2010: 775). تولید نامتمرکز که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، عمدتاً با جهانی شدن، تحرک سرمایه و ویژگی رقابت در نئولیبرالیسم در ارتباط است. کاهش تعرفه‌های تجارت که توسط سازمان جهانی تجارت و در راستای جهانی شدن اقتصادی پیگیری می‌شود، باعث می‌شود کشورهایی که در تولید برخی کالاها مزیت نسبی دارند، بدون نگرانی از بازار خرید محصولات خود، به صورت افراطی سعی در بالا بردن میزان تولید خود در بستری جهانی کنند. با بالا رفتن میزان تولید، فشار بر منابع محیط‌زیست، به ویژه منابع آب، بیشتر می‌شود و مقدار زیادی آب در قالب آب مجازی از کشور صادر می‌شود. استفادهٔ گسترده از کود و سم نیز در این‌گونه موارد کیفیت منابع آب را کاهش می‌دهد. طی این فرایند اگرچه ممکن است برخی اهداف اقتصادی محقق شود، از نظر منابع آب صدمات جبران‌ناپذیری وارد می‌شود. از طرف

1. Guslits and Phartiyal



دیگر، تولید نامتمرکز که در بستر جهانی شدن تسهیل می‌یابد، باعث می‌شود شرکت‌های متعلق به کشورهای توسعه‌یافته، هم به دلیل مقررات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه در کشور خودشان و هم استفاده از منابع طبیعی و انسانی ارزان در کشورهای در حال توسعه، بخش اعظم فرایند تولید خود را به‌ویژه در حوزه صنایع و فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست با نیت تولید برای صادرات به این کشورها منتقل کنند که این امر به معنی از دست رفتن منابع این کشورها به بهای اندک و در راستای رقابت‌پذیر کردن شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته و دستاورد آن نیز بحران‌های زیست‌محیطی برای کشورهای در حال توسعه است. وقتی نیز بحران به حد غیرقابل تحمل می‌رسد، این شرکت‌ها از آن کشور خارج می‌شوند و این سناریو را در کشورهای دیگری تکرار می‌کنند. کشورهای در حال توسعه گاه ممکن است برای جلب توجه شرکت‌های بزرگ و به‌منظور ارتقای رقابت‌پذیری خود، اقدام به کاهش سطح استانداردهای زیست‌محیطی خود کنند که هزینه این مسابقه را محیط‌زیست آن کشورها پراخت می‌کند.

وضعیت برخی از کشورهای در حال توسعه که درگیر فرایند فوق هستند، گویای ابعاد گسترده و زیان‌باری است. استفاده بی‌رویه از سموم دفع آفات که اکنون چین صادر می‌کند، باعث شده است بسیاری از آب‌های چین قابل مصرف نباشند. در حال حاضر ۳۹ درصد از رودخانه‌های این کشور عمدتاً به دلیل آلودگی صنعتی و سمی بودن برای استفاده‌های انسانی مناسب نیستند (Gonzalez & Yanes, 2015: 53). نیاز به ایجاد سدهای بیشتر برای رفع نیازهای آبی در کشاورزی، صنعت، برق و... اگرچه در برخی موارد مشکلات را به‌صورت مقطعی حل می‌کند، هزینه‌های زیست‌محیطی عظیمی به‌دنبال دارد. در چین سد سه‌گلوگاه بر روی رودخانه یانگ‌تسه، بزرگ‌ترین ایستگاه برق آبی جهان است که ۲۵,۰۰۰ مگاوات برق، به‌ویژه برای صنایع رو به رشد آن کشور، تولید می‌کند (Lewis, 2013). صنعتی شدن سریع هند، برداشت از رودخانه‌ها را برای تولید کالاهای کشاورزی و صنعتی، آن‌هم تقریباً به‌طور کامل برای بازارهای خارج از کشور، افزایش داده و آن‌ها را آلوده کرده است. کارخانه‌های نساجی هند مواد شیمیایی رنگرزی و سفیدکننده‌ها را مستقیماً به درون رودخانه می‌ریزند (Pomeranz, 2009). به‌طور کلی صنعت ۲۵ درصد از آب جهان را مصرف می‌کند. در کشورهای در حال توسعه ۷۰ درصد از پساب‌های صنعتی به‌صورت تصفیه‌نشده به رودخانه‌ها، دریاچه‌ها یا سفره‌ها رها می‌شوند و آن‌ها را آلوده می‌کنند؛ چراکه در بازار رقابتی و در شرایط مقررات زیست‌محیطی آسان، شرکت‌های صنعتی زیر بار هزینه‌های تصفیه فاضلاب نمی‌روند. در سال ۱۹۸۰، ۲۳۷ میلیارد تن پساب صنعتی در آبراه‌ها رها شده بود که این میزان در سال ۲۰۰۰ به ۴۶۸ میلیارد تن رسید (Gonzalez & Yanes, 2015: 83-84). بهره‌برداری تهاجمی از آب در



همه بخش‌های اقتصاد جهانی و مناطق جدید آن جریان دارد. کارخانه‌های بطری کردن آب متعلق به غول‌های چندملیتی، هریک باعث کمبود شدید منابع آب کشاورزان محلی و خرد می‌شوند و آن‌ها را مجبور می‌کنند چاه‌های عمیق‌تری را در سفره‌های زیرزمینی خود برای آبیاری مزارعشان حفر کنند که این کار از نظر اقتصادی برای بسیاری از کشاورزان عملی نیست و موجب بحران آب و حتی فقر بیشتر آن‌ها می‌شود.

### ۳-۱-۴- مقررات‌زدایی (به‌ویژه مقررات زیست‌محیطی)

مقررات‌زدایی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی نئولیبرالیسم، به معنی کاهش مقررات دولتی در مورد همه مواردی است که می‌تواند سود را کاهش دهد؛ از جمله حفاظت از محیط‌زیست و ایمنی در محل کار. در میدان عمل، مقررات دولتی غالباً هدف اصلی فرایندهای نئولیبرالیسم است و اگر مداخله دولت موجب تحریف اصول بازار آزاد شود، باید مقررات اصلاح شود تا راه‌حل‌های بازار مؤثرتر کار کنند؛ چراکه فضای کسب‌وکار، خود بهتر عمل می‌کند (Beer et al., 2005: 50). توجیه ایدئولوژیک مهم مقررات‌زدایی این است که اگر نیروهای بازار از مداخلات نظارتی آزاد شوند، در سطح جهانی ثروت و امنیت بیشتری به همراه خواهد داشت. کورت (۲۰۰۳) با این استدلال که مقررات موجب افزایش هزینه‌های مصرف‌کننده و از بین بردن مشاغل می‌شود، نشان داد که شرکت‌ها چگونه با این استدلال‌ها افکار عمومی را با موفقیت شکل داده‌اند و مقررات‌زدایی را همچون روندی طبیعی به عموم مردم قبولانده‌اند (Merino et al., 2010: 779). بنابراین اغلب نمایشی بدون مشکل از نوسازی لیبرال دولت وجود دارد که شامل کاهش نقش نظارتی و ظرفیت آن است. گلسون و لاو (Gleeson & Low, 2000: 8) مقررات‌زدایی را محور اصلی نئولیبرالیسم می‌دانند.

دیدگاه کلاسیک نئولیبرالیسم با برنامه‌ریزی دشمنی می‌ورزد و حتی فضای شهری را نیز به عنوان فضایی برای رشد و مصرف اقتصادی بسیج می‌کند و بیشتر برنامه‌ریزی‌های عمومی شهری را انحراف از مکانیسم‌های بازار تلقی می‌کند و تهدیدی برای انگیزه خصوصی و تخصیص کارآمد منابع در نظر می‌گیرد و به‌طور مستقیم به برنامه‌ریزی حمله می‌کند (Sager, 2011: 150). نگرش نئولیبرال‌ها به برنامه‌ریزی عمومی به‌دلیل مداخله برنامه‌ریزی در بازارها بسیار منفی است و ادعا می‌شود برنامه‌ریزی به‌حد کافی انعطاف‌پذیر نیست، نقش همگانی بسیار زیاد است و تصویب‌ها خیلی طولانی می‌شود که همه این موارد منجر به تأخیر، هزینه‌های اضافی و کاهش اشتغال می‌گردد (Ibid, 180-181). در واقع، غالباً چرخه‌ای از مقررات‌زدایی-بحران-تنظیم‌مجدد وجود دارد. چنین تضادها و گرایش‌های بحرانی‌ای منجر به اصلاحات بیشتر و جست‌وجوی راه‌حلی



نهادی می‌شود (Clifford et al., 2019: 18). دیوید کامرون، نخست‌وزیر وقت انگلستان، برنامه‌ریزان را «دشمنان شرکت‌ها» نامید که این به معنی بازگشت به دیدگاه‌های دهه ۱۹۸۰ است که معتقد بودند برنامه‌ریزی خلاقیت و نوآوری را خفه می‌کند و بارهای غیرضروری را بر دوش اقتصاد می‌گذارد (Ibid, 19). با نابودی کمونیسم، نئولیبرال‌ها کمپین رسانه‌ای مؤثری برای ارتقای «رقابت»، «بازار آزاد» و «مقررات‌زدایی»، به عنوان ضروریاتی برای رفاه کشور، به راه انداختند و تصور می‌کردند جهان با رقابت بهتر می‌شود و همه منابع اجتماعی به طور کارآمد تخصیص می‌یابد و اقتصاد سیاسی اخلاقی‌تر می‌شود (Merino et al., 2010: 776). اجماع واشنگتن متشکل از سه نهاد، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و خزانه‌داری ایالات متحده، نوعی سیاست‌های اعطای وام را تنظیم کرد که به کشورهای در حال توسعه که تغییرات ساختاری را ایجاد می‌کردند، پاداش می‌داد و آن‌هایی را که تغییر نمی‌دادند، مجازات می‌کرد. آن‌ها این پیام نئولیبرالی را تبلیغ می‌کردند که منافع خاص نخبگان اقتصادی به نفع عمومی یک جامعه است. شهروندان موجودات اقتصادی هستند و سیاستمداران «متولیان اقتصاد» که مأموریت سیاسی اصلی آن‌ها این است که کالاها و خدمات بیشتری برای مصرف در دسترس قرار دهند (Staats, 2004: 591). منتقدان نئولیبرالیسم معتقدند نئولیبرالیسم هژمونی شرکت‌ها را پرورش می‌دهد و بازار را خدای قادر مطلق می‌داند که باید سرنوشت انسان‌ها را هدایت کند. برای مثال گرامشی (۱۹۷۱)، داگر (۱۹۸۹) و پولانی (۱۹۴۴) مدت‌هاست در مورد خطرات اجازه دادن به منافع اقتصادی برای دیکته کردن هنجارهای اجتماعی هشدار می‌دهند. پولانی استدلال کرد که «اجازه دادن به مکانیسم بازار به عنوان تنها مدیر سرنوشت انسان‌ها و محیط طبیعی آن‌ها منجر به تخریب جامعه خواهد شد» (Polanyi, 1944: 73). از نظر ژيرو، نئولیبرالیسم با این باور که «بازار باید اصل سازمان‌دهی کلیه تصمیمات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد». شکلی خشن و بی‌رحمانه از سرمایه‌داری بازار و حمله بی‌وقفه‌ای به دموکراسی، کالاهای عمومی و ارزش‌های غیرکالایی است، به طوری که همه چیز برای فروش است، زمین‌های عمومی خصوصی می‌شوند، همه چیز به نفع شرکت‌ها تنظیم می‌شود، محیط‌زیست به دلیل سود بیشتر آلوده می‌شود (Giroux, 2005: 2). نئولیبرالیسم را می‌توان بازگشت به شکل ابتدایی فردگرایی دانست که انعکاس‌دهنده پیام داروینیسم اجتماعی است که در اواخر قرن نوزدهم محبوب بود. داروینیست‌های اجتماعی به «طبیعت» توجه می‌کردند که دارای «دستی نامرئی» است که بقای بهترین گونه‌ها را تضمین می‌کند. نئولیبرال‌ها این پیام را در پایان قرن بیستم دوباره بسته‌بندی و با عنوان داروینیسم اقتصادی و بقای ثروتمندترین افراد، به مثابه امری «طبیعی» تبلیغ کردند (Merino et al., 2010: 776). کلاین، میلتون فریدمن را به دلیل این استدلال که «دولت باید تمام قوانین و مقررات مانع انباشت سود را حذف کند»

تقبیح کرد (Klein, 2007: 56). مقررات‌زدایی در راستای هژمونی شرکت‌هاست و محیطی را ایجاد می‌کند که باعث سوءاستفاده شرکت‌ها از محیط‌زیست و جامعه برای دستیابی به سود بیشتر می‌شود. فعالیت‌های شرکت‌ها در چهارچوب رقابت و مقررات‌زدایی، به‌ویژه در حوزه‌های کشاورزی، صنعت، استخراج نفت و معادن که ارتباط زیادی با منابع آب پیدا می‌کند، چه از نظر کمی و چه کیفی، می‌تواند منابع آب را متأثر کند و موجب ایجاد یا تشدید مشکلات آبی، به‌ویژه در اجتماعات کشورهای در حال توسعه، شود. شواهد زیادی از خشکی رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، افت سفره‌های آب زیرزمینی و نشست آن‌ها و همچنین غیرقابل استفاده شدن منابع آب به دلیل غلظت زیاد آلودگی‌ها وجود دارد.

#### ۴-۱-۴- بی‌توجهی به نفع عمومی

نئولیبرالیسم تعهد طولانی‌مدت به تأمین هزینه‌ها در حوزه عمومی را به چالش می‌کشد (Asen, 2018: 1). اگرچه فریدمن در دیدگاه جهانی نئولیبرال خود به محیط‌زیست اشاره نکرده است، این امر با سیاست‌های نئولیبرال ارتباطی جدایی‌ناپذیر دارد؛ زیرا بسیاری از بخش‌های اقتصادی، نظیر تأمین آب، دفع فاضلاب و...، مستقیماً به محیط طبیعی وابسته‌اند. همچنین کاهش مداخله دولت به معنای توجه کمتر به مقررات محیط‌زیست است (Liverman & Vilas, 2006: 330). کاهش مسئولیت دولت باعث کاهش یارانه‌ها می‌شود و به دنبال آن انگیزه‌های تولید محصولات کشاورزی و استخراج مواد معدنی تغییر می‌یابد و در ادامه، الگوی کاربری زمین یا استفاده از آب نیز تغییر می‌کند. کاهش هزینه‌های عمومی ممکن است اجرای طرح‌های حمایت از محیط‌زیست را محدود کند و مدیریت محیط‌زیست را به سمت مقامات غیردولتی یا محلی سوق دهد. بنابراین تخریب محیط‌زیست و منابع عمومی، به‌رغم سودهای مقطعی، در گذر زمان فقر را افزایش می‌دهد. علت این امر این است که بازار به دلیل ماهیت سودجویی خود، ارزش زیادی برای کیفیت محیط‌زیست یا اکوسیستم‌ها قائل نیست. شرکت‌های خصوصی بدون یارانه دولت و سرمایه‌گذاری بخش دولتی به فقرا خدمات نمی‌دهند و استفاده اختصاصی به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی از منابع آب، باعث می‌شود جریان‌های پرخروش آب که عموم مردم از آن‌ها استفاده می‌کردند، دیگر در مسیرهای خود جاری نشوند. شواهد زیادی وجود دارد که تا قبل از ورود تفکرات سودجویانه محض از طبیعت و منابع عمومی، آن‌هم بدون توجه به تبعات گوناگون آن که به‌ویژه توسط شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود، کمبود آب، افت سفره‌های زیرزمینی، خشکی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها تجربه نشده بود. سایر منابع طبیعی که به عموم مردم و حتی بشریت تعلق دارند نیز دچار چنین سرنوشتی می‌شوند. برای مثال



جنگل‌های آمازون نه فقط برای چوب، بلکه برای ایجاد زمین‌های کشاورزی جهت پرورش گاو و کشت سویا و معدن‌کاری و... قطع می‌شوند که سود آن نصیب عده‌ای خاص و تبعات جبران‌ناپذیر آن نیز نصیب کل ساکنان آن مناطق و حتی جهان می‌شود.

## ۵- تجزیه و تحلیل

تفاوت ماهوی کمبود طبیعی آب با بحران آب که پدیده‌ای انسان‌ساخت و ناشی از ضعف مدیریتی است، نشان‌دهنده این است که پدیده بحران آب در نتیجه مداخله یا عدم مداخله انسان که در هر صورت مسئله مدیریتی است، صورت می‌گیرد. از طرف دیگر، هرگونه مداخله انسان، به‌ویژه در قالب حاکمیتی و مدیریتی، برگرفته از افکار غالبی است که در قالب سیاست بر فضای جغرافیایی اعمال می‌شود. بنابراین به‌طور کلی بروز بحران آب یا عدم بروز آن با سیاست‌های کلان ارتباط دارد. جنبه‌ها و شاخص‌های سیاست‌گوناگون است و یکی از جنبه‌های آن ایدئولوژی و تفکرات سیاسی یا اقتصادی و... است. بنابراین از همین منظر، بررسی تئوریک نحوه تأثیر نئولیبرالیسم، به‌عنوان تفکر و ایدئولوژی‌ای سیاسی و اقتصادی، در پیدایش یا تشدید بحران آب موضوعیت پیدا می‌کند. اگرچه همین ایدئولوژی با همین ویژگی‌هایی که گفته شد ممکن است در بعضی از کشورها و فضاهای جغرافیایی به عدم بروز بحران آب کمک کند و آن‌ها کشورهایی هستند که با عمل به نئولیبرالیسم، بخشی از زنجیره یا کل فرایند تولید برخی کالاها را در خارج از کشور خود دنبال می‌کنند که این امر مانع کمبود و بحران آب می‌شود. از طرف دیگر، در کشورهای درحال توسعه که عهده‌دار تولید بخشی یا کل کالا یا کالاهایی آن‌هم عمدتاً به‌منظور صادرات هستند، وضعیت کاملاً برعکس است و در این فضاهای جغرافیایی، نئولیبرالیسم موجب فشار بر منابع آب و در نتیجه بحران می‌شود. نئولیبرالیسم و سرمایه‌داری جهانی توسط نیروهای محرکی نظیر «انباشت» و «رقابت» پیش می‌رود که دو قطب مخالف «همکاری» و «توزیع برحسب نیاز» هستند و در چنین فضایی است که منابع عمومی مختلف، از جمله منابع آب، مورد استفاده بی‌رویه، بدون توجه به تبعات آن، قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه این است که پس از بحرانی شدن وضعیت در یک فضای جغرافیایی، رقابت‌پذیری آن کاهش می‌یابد و شرکت‌هایی که مسبب این وضعیت بوده‌اند، از آن فضا خارج می‌شوند و این چرخه را در فضاهای جدید دیگری دنبال می‌کنند، یا اینکه با مداخله ثانویه، به‌ویژه در مورد منابع آب، به انتقال آن از حوضه‌های آبی دیگر اقدام می‌کنند و موجب تسری دامنه بحران در فضاهای جغرافیایی دیگر می‌شوند. نحوه تأثیر برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نئولیبرالیسم بر بحران آب در جدول ۲ مورد اشاره قرار می‌گیرد.

جدول ۲. نحوه تأثیر برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نئولیبرالیسم بر بحران آب

مؤلفه‌های نئولیبرالیسم	نحوه تأثیر بر بحران آب
خصوصی‌سازی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نگاه به آب به‌عنوان کالای اقتصادی؛</li> <li>- نقض اعتقاد به اشتراکی بودن منابع؛</li> <li>- واگذاری تأمین و توزیع آب به بخش خصوصی؛</li> <li>- عدم توجه به حقایق محیط‌زیست؛</li> <li>- انحصار کل چرخه آب؛</li> <li>- عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تأمین آب؛</li> <li>- نشت زیاد آب به‌دلیل رسیدگی نکردن به زیرساخت‌ها؛</li> <li>- به‌صرفه بودن انتقال آب نسبت به مدیریت آن؛</li> <li>- عدم تصفیه فاضلاب به‌دلیل پرهزینه بودن؛</li> <li>- توزیع آب برای کسانی که قادر به پرداخت هستند؛</li> <li>- کاهش کیفیت آب.</li> </ul>
تولید نامتمرکز	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بازارهای آزاد و رقابتی؛</li> <li>- حقوق برابر همه افراد در تولید و فروش به هر مقدار؛</li> <li>- تولید برای صادرات در سطح جهانی؛</li> <li>- استفاده گسترده از کود و سم برای افزایش تولید در واحد سطح؛</li> <li>- واگذاری تولید کالای مخرب محیط‌زیست به کشورهای درحال توسعه؛</li> <li>- نیاز به سدهای بیشتر برای تولید انرژی و منابع آب برای تولید؛</li> <li>- آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی با فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی؛</li> <li>- استفاده مستقیم از منابع آب محلی توسط شرکت‌های چندملیتی؛</li> <li>- نیاز به حفر چاه‌های عمیق که باعث خشکی چاه‌ها و چشمه‌های کشاورزان می‌شود.</li> </ul>
مقررات‌زدایی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش مقررات دولتی در هر زمینه‌ای که باعث کاهش سود می‌شود؛</li> <li>- کاهش توجه به مقررات زیست‌محیطی؛</li> <li>- اولویت مکانیسم بازار در فضای کسب‌وکار؛</li> <li>- عدم مداخله نظارتی در نیروهای بازار؛</li> <li>- عدم اعتقاد به برنامه‌ریزی؛</li> <li>- افزایش هژمونی شرکت‌ها؛</li> <li>- داروینیسیم اقتصادی؛</li> <li>- سوءاستفاده از منابع طبیعی در فضای بدون مقررات.</li> </ul>
بی‌توجهی به نفع عمومی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم تعهد به تأمین هزینه‌ها در حوزه عمومی؛</li> <li>- بی‌توجهی به نفع عمومی در تأمین منابع آب؛</li> <li>- بی‌توجهی به نفع عمومی در دفع فاضلاب؛</li> <li>- تغییر الگوی کاربری زمین؛</li> <li>- از بین رفتن مراتع و جنگل‌ها.</li> </ul>

منبع: نگارنده



تأثیرات و پیامدهای منفی و مثبت نئولیبرالیسم بسیار متنوع است و از این رو مواردی را که در جدول فوق مورد اشاره قرار گرفت، فقط می‌توان بخشی از مسائلی در نظر گرفت که می‌توانند در بحران آب نقش داشته باشند. همین موارد نیز گویای تأثیر نئولیبرالیسم به‌عنوان تفکر یا ایدئولوژی‌ای سیاسی و اقتصادی بر فضای جغرافیایی و ایجاد یا تشدید مشکلات آب است. لذا می‌توان بخشی از بحران آب را به‌عنوان معلول، نتیجهٔ اتخاذ سیاست‌های نئولیبرالیستی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه دانست.

## ۶- نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، در بخش‌های زیادی از جهان کمبود آب به‌طور فزاینده ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده و تبدیل به بحران شده است که از آن به «بحران آب» یاد می‌شود. اغلب صاحب‌نظران معتقدند که بحران آب پدیده‌ای مدیریتی است و با کمبود آب که پدیده‌ای طبیعی است، متفاوت است. اهمیت آب در زندگی انسان‌ها که آن را «مایهٔ حیات» نامیده‌اند، موجب شده است مطالعات گوناگونی از جنبه‌های مختلف در مورد بحران آب صورت گیرد. از آنجا که سیاست‌ها، تصمیمات و اقدامات سیاستمداران بر فضاهای جغرافیایی تأثیر انکارناپذیری دارد، پژوهش حاضر به‌صورت تئوریک و از دیدگاه جغرافیای سیاسی به‌دنبال بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیستی بر بروز یا تشدید بحران آب است. نئولیبرالیسم که در اواخر قرن بیستم شایع شد و سپس با سرعت زیادی توسط کشورها، چه به‌صورت داوطلبانه و چه به‌صورت اجبار از سوی نهادهای قدرتمند جهانی، گسترش پیدا کرد، دارای ویژگی‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی است که در این پژوهش نحوهٔ تأثیر برخی از مؤلفه‌های آن، نظیر خصوصی‌سازی، تولید نامتمرکز، مقررات‌زدایی و بی‌توجهی به نفع عمومی بر بروز یا تشدید پدیدهٔ بحران آب، مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل هریک از مؤلفه‌های ذکر شده نشان داد که اقدامات و سیاست‌هایی که در قالب هریک از آن‌ها پیگیری و اجرا می‌شود، علاوه بر اینکه موجب سوءاستفاده از منابع طبیعی و انسانی می‌شود، می‌تواند به‌طور ویژه به کمبود منابع آب و در نهایت بحرانی شدن آن منجر شود و با تبدیل آب به کالای اقتصادی، انسان‌ها را از حقی طبیعی که همان دسترسی به آب است محروم کند و آن را در اختیار کسانی قرار دهد که توانایی پرداخت هزینهٔ آن را دارند. روند دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که هرچه زمان پیش می‌رود، بحران آب تشدید می‌شود. لذا توجه به نقش سیاست‌ها و ایدئولوژی‌ها در بحران آب موجب می‌شود تا یکی از علت‌های اصلی و دخیل در این پدیده مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه راه‌حل پدیده‌ها بدون شناخت علت‌ها، فقط دل‌مشغول شدن با معلول است. این بررسی تئوریک نشان

می‌دهد که در هر جایی از کره زمین که این مؤلفه‌ها و روابط برقرار باشد، امکان وقوع و بروز این پدیده وجود دارد. پدیده بحران آب در کشور ما دارای مصادیق بسیار زیادی است که ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی قابل توجهی به خود گرفته‌اند. بنابراین توجه به این جنبه از بحران آب ضروری است، اگرچه ممکن است در مواردی در برخی کشورها دقیقاً اصطلاح نئولیبرالیسم مورد استفاده قرار نگیرد، ولی در عمل همان روابط و مؤلفه‌ها هستند که نقش خودشان را ایفا می‌کنند و در این امر سهم دارند.

## منابع

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸). سخن سردبیر. فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، ۱۳ (۳).
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳). تبیین فلسفه علم جغرافیا. فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، ۱۸ (۲). صفحات ۵۶-۲۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا؛ قادری حاجت، مصطفی (۱۳۸۹). سیاست و فضا، مشهد: انتشارات پاپلی.
- دیویس، ویلیام (۱۳۹۶). نئولیبرالیسم چه فرقی با لیبرالیسم می‌کند؟ ترجمه سید امیرحسین میرابوطالبی. قابل دسترسی در: <https://tarjomaan.com/barresi\_ketab/87420>
- وینسنت، اندرو (۱۳۸۷). /ایدئولوژی مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۶). تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: اختران.
- Arnon, A., Weinblatt, J. & Young, W. (Eds) (2011). *Prospectives on Keynesian*, London: Springer.
- Asen, R. (2018). Introduction: Neoliberalism and the public sphere. *Communication and the Public*, Available at: <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/2057047318794687>. (Accessed 08/15/2021).
- Bakker, K. (2007). The "Commons" versus the "Commodity": Alter-globalization, Antiprivatization and the Human Right to Water in the Global South. *Antipode*, 39(3), 430-455. Available at: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/j.1467-8330.2007.00534.x>. (Accessed 07/17/2021).



- Beer, A., Clower, T., Haughtow, G. & Maude, A (2005). Neoliberalism and the Institutions for regional Development in Australia. *Geographical Research*, 43(1), 49-58.
- Budds, J. & McGranahan, G. (2003). Are the debates on water privatization missing the point? Experiences from Africa, Asia and Latin America. *Environment and Urbanization*, 15(2), 87-114.
- Centeno, M. A. & Cohen, J. N. (2012). The Arc of Neoliberalism, *Annual Review of Sociology*, 38, 317-340.
- Chathu (2017). Difference between Liberalism and Neoliberalism. Available at: Difference between Liberalism and Neoliberalism | Definition, Characteristics, Features (pediaa.com). (Accessed 08/04/2021).
- Chau, R. (2009). Liberalism: A Political Philosophy – Mannkal Economic Education Foundation. Available at: <https://www.mannkal.org/downloads/scholars/liberalism.pdf>. (Accessed 07/31/2021).
- Clarke, J. (2004). Dissolving the Public realm? The Logics and Limits of Neoliberalism. *Journal of Social Policy*, 33(1), 27-48.
- Clifford, B., Ferm, J., Livingstone, N. & Canelas, P. (2019). Understanding the Impacts of Deregulation in Planning Turning Offices into Homes Switzerland AG: *Palgrave Macmillan*, <https://doi.org/10.1017/S0047279403007244>.
- Cohen, J. N. & Centeno, M. A. (2006). Neoliberalism and Patterns of Economic Performance, 1980-2000. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 606. <https://doi.org/10.1177/0002716206288751>.
- Davies, W. (2017). What Is “Neo” About Neoliberalism? Translated to Persian by: Seyed Amirhossein Mirabutalebi, Available at: [https://tarjomaan.com/barresi\\_ketab/8742/0](https://tarjomaan.com/barresi_ketab/8742/0). (Accessed 08/15/2021) (In Persian).
- Giroux, H. A. (2005). The terror of neoliberalism: rethinking the significance of cultural politics. *College Literature*, 32(1), 1-19. doi:10.1353/lit.2005.0006.



- Gleeson, B. & Low, N. (2000). Unfinished Business: Neoliberal Planning Reform in Australia. *Urban Policy and Research*, 18(1), 7-28 .  
<https://doi.org/10.1080/08111140008727821>.
- Gonzalez, M. & Yanes, M. (2015). *The Last Drop, the Politics of Water*. London: Pluto Press.
- Gottmann, J. (1980). Confronting centre and periphery, in *Centre and Periphery: Spatial Variation in Politics*, Ed. J Gottmann (Sage, London), pp. 11-25.
- Grusky, S. (2001). Privatization tidal wave: IMF/World bank water policies and the price paid by the poor. *Multinational Monitor*, 22(9), 14-19. Available at: <https://www.multinationalmonitor.org/mm2001/092001/grusky.html> (Accessed 07/17/2021).
- Gündüz, Z. Y. (2011). Water- on women's burdens, humans' rights, and companies' profits. *Monthly Review*, 62(8), 43-52. Available at: <https://monthlyreview.org/2011/01/01/water-on-womens-burdens-humans-rights-and-companies-profits/>. (Accessed 07/17/2021). [https://doi.org/10.14452/MR-062-08-2011-01\\_4](https://doi.org/10.14452/MR-062-08-2011-01_4).
- Hafeznia, M. (2009). The editor's note. *Journal of Spatial Planning*, 13(3), Tarbiat Modares University (In Persian).
- Hafeznia, M. (2014). Explanation of the philosophy of Geography. *Journal of Spatial Planning*, 18(2), Tarbiat Modares University (In Persian).
- Hafeznia, M., Ahmadipour, Z. & Ghaderi Hajat, M. (2010). *Politics and Space, Mashhad: Papoli Publications*. (In Persian).
- Harnes, A. (2012). The Rise of Neoliberal Nationalism. *Review of International Political Economy*, 19(1), 59-86, [HTTPS://DOI.ORG/10.1080/09692290.2010.507132](https://doi.org/10.1080/09692290.2010.507132) (In Persian).
- Harvey, D. (2007). *A Brief History of Neoliberalism*, Oxford: Oxford University Press.
- Harvey, D. (2007). *A Brief History of Neoliberalism*, Translated to Persian by: Mahmood Abdollahzadeh, Tehran: Nashre Akhtaran (In Persian).



- Harvey, D. (2007). Neoliberalism as Creative Destruction. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 610, Issue 1. <https://doi.org/10.1177/0002716206296780>.
- Higgs, R. (1997). Fifty Years of the Mont Pèlerin Society. *The Independent Review*, Vol. I, Number 4. Available at: [https://www.independent.org/pdf/tir/tir\\_01\\_4\\_etc.pdf](https://www.independent.org/pdf/tir/tir_01_4_etc.pdf). (Accessed 08/03/2021).
- Hollander, K. (2014). Mexico City: water torture on a grand and ludicrous scale. *The Guardian* 5 February 2014. Available at: <https://www.theguardian.com/cities/2014/feb/05/mexico-city-water-torture-city-sewage>. (Accessed 08/15/2021).
- Ives, Andrew (2015). Neoliberalism and the concept of governance: Renewing with an older liberal tradition to legitimate the power of capital, *Mémoire(s), identité(s), marginalité(s) dans le monde occidental contemporain* [Online], 14 | 2015, Online since 26 August 2015, Available at: <http://journals.openedition.org/mimmoc/2263>; <https://doi.org/10.4000/mimmoc.2263>. (Accessed 11/11/2021).
- Jessop, B. (2000). Good Governance and the Urban Question: On Managing the Contradictions of Neo-Liberalism, published by the Department of Sociology, Lancaster University, Lancaster LA1 4YN. Available at: [jessop-good-governance-and-the-urban-question.pdf](http://www.lancaster.ac.uk/~socio/jessop-good-governance-and-the-urban-question.pdf) (lancaster.ac.uk) (Accessed 08/04/2021).
- Klein, N. (2007). *The Shock Doctrine: The Rise of Disaster Capitalism*, Henry Holt and Company, New York, NY.
- Kotz, D. M. (2002). Globalization and Neoliberalism, *Rethinking Marxism*, 12(2), 64-79. Available at: [https://people.umass.edu/dmktotz/Glob\\_and\\_NL\\_02.pdf](https://people.umass.edu/dmktotz/Glob_and_NL_02.pdf). (Accessed 11/11/2021) <https://doi.org/10.1080/089356902101242189>.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*, Trans. by Donald Nicholson-Smith, Cambridge, MA: Blackwell.
- Lewis, Ch. (2013). China's Great Dam Boom: A Major Assault on its Rivers, *Yale Environment* 360, at: [https://e360.yale.edu/features/chinas\\_great\\_dam\\_boom\\_an\\_assault\\_on\\_its\\_river\\_systems](https://e360.yale.edu/features/chinas_great_dam_boom_an_assault_on_its_river_systems). (Accessed 08/15/2021).

- Liverman, D. M. & Vilas, S. (2006). Neoliberalism and the Environment in Latin America. *Annual Review of Environment and Resources*, 31, 327-363. Available at: <https://doi.org/10.1146/annurev.energy.29.102403.140729>. (Accessed 07/29/2021).
- Massey, D. (1985). *New Directions in Space*. In: Gregory D., Urry J. (eds) *Social Relations and Spatial Structures*. Critical Human Geography. Palgrave, London. [https://doi.org/10.1007/978-1-349-27935-7\\_2](https://doi.org/10.1007/978-1-349-27935-7_2).
- Massey, D. (2005). *For Space*. London: Sage.
- Maxwell, S. & Yates, S. (2011). *The Future of Water: A Startling Look Ahead*. Denver, CO: American Water Works Association.
- Merino, B. D., Mayer, A. G. & Tolleson, T. D. (2010). Neoliberalism, Deregulation and Sarbanes-Oxley: The Legitimation of a Failed Corporate Governance Model. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 23(6). <https://doi.org/10.1108/09513571011065871>.
- MURTHY, SH. (2013). THE HUMAN RIGHT(S) TO WATER AND SANITATION: HISTORY, MEANING AND THE CONTROVERSY OVER-PRIVATIZATION. *BERKELEY JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW*, 31(1), 89-149. AVAILABLE AT: [HTTPS://PAPERS.SSRN.COM/SOL3/PAPERS.CFM?ABSTRACT\\_ID=2195071](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2195071). (ACCESSED 07/17/2021). DOI: 10.15779/Z38665F.
- National Network on Environments and Women's Health (2009). The Significance of Privatization and Commercialization Trends for Women's Health. Available at: [https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Water/ContributionsPSP/Council\\_of\\_Canadians.pdf](https://www.ohchr.org/Documents/Issues/Water/ContributionsPSP/Council_of_Canadians.pdf). (Accessed 08/15/2021).
- OECD (2020). Acting together so the world doesn't go thirsty. Available at: <https://www.oecd.org/about/impact/addressing-water-scarcity.htm>. (Accessed 08/04/2021).
- Pavelich, K. (2017). Water Privatization: A Threat to Human Rights? *Global Societies Journal*, 5. Available at: <https://scholarship.org/uc/item/2dq9f2s7#main> (Accessed 07/17/2021).
- Polanyi, K. (1944). *The Great Transformation*, Beacon Press, Boston, MA.



- Pomeranz, K. (2009). The Great Himalayan Watershed: Agrarian Crisis, Mega-Dams and the Environment. *New Left Review*, 58 (July/August 2009) Available at: <https://newleftreview.org/issues/ii58/articles/kenneth-pomeranz-the-great-himalayan-watershed>. (Accessed 08/15/2021).
- PSIRU (Public Services International Research Unit) (2014). Here to Stay: Water Remunicipalisation as a Global Trend. Available at: <https://www.tni.org/files/download/heretostay-en.pdf>. (Accessed 07/16/2021).
- Rogers, P. (2004). *Water crisis: myth or reality?* Taylor and Francis, London.
- Sager, T. (2011). Neo-liberal Urban Planning Policies: A Literature Survey 1990-2010. *Progress in Planning*, 76, 147-199 , <https://doi.org/10.1016/j.progress.2011.09.001>.
- Sarimehmet Duman, Ö. (2019). Consolidating Neoliberalism through Privatisation: The Case of the EU after the Eurozone Crisis, *Uluslararası İlişkiler*, 16(63), 105-118, Available at: <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/810018>. (Accessed 08/04/2021).
- Smith, A. (2009). An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations. Available at: <http://www.gutenberg.org/files/3300/3300-h/3300-h.htm>. (Accessed 08/03/2021).
- Staats, J. L (2004). Habermas and democratic theory: the threat to democracy of unchecked corporate power. *Political Research Quarterly*, 57(4), 585-594 , <https://doi.org/10.1177%2F106591290405700407>.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy (2018). Liberalism. Available at: <https://plato.stanford.edu/entries/liberalism/#NewLib>. (Accessed 11/11/2021).
- Susilo, A. T. H. (2012). The Indonesian National Program for Community Empowerment (PNPM) Rural: Decentralization in the Context of Neoliberalism and World Bank Policies. International Institute of Social Studies (ISS). Available at: <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.452.9353&rep=rep1&type=pdf>. (Accessed 08/03/2021).

- Vidal, J. (2015). Water Privatization: A Worldwide Failure? *The Guardian*, 2015.02.20. Available at: <https://ourworld.unu.edu/en/water-privatisation-a-worldwide-failure>. (Accessed 07/16/2021).
- Vincent, A. (2008). *Modern Political Ideologies*, Translated to Persian by: Morteza Saghebfar. Tehran: Qoqnoos Publications (In Persian).